



محسن ابراهیم جدیدی در وطن امروز

تحولات سیاسی اخیر پس از تحریم‌های بزرگ کنگره آمریکا علیه ایران که با تأیید ترامپ رئیس‌جمهور این کشور وارد مرحله اجرایی شد، از اهمیت بالایی برخوردار است. رای‌آوری مجدد حسن روحانی در ایران با اجرایی شدن تحریم‌هایی که به «مادر تحریم‌ها» مشهور شد، دردیها دربارۀ روابط خارجی مبتنی بر نگاه دولت یازدهم را افزایش داد. بر همین اساس گفت‌وگوی پیش رو با دکتر الکساندر آزادگان، استاد مدیریت استراتژیک جهانی و اقتصاد سیاسی بین‌الملل در دانشگاه‌های کالیفرنیا که به‌عنوان تحلیلگر ارشد در رسانه‌های انگلیسی‌زبان حضور پیدا می‌کند، انجام شده تا ابعاد گوناگون ماجرا بررسی شود. با توجه به حضور وی در شهر کالیفرنیای آمریکا، گفت‌وگوی زیر از طریق پاسخ ویدئویی دکتر آزادگان به سوالات مکتوب «وطن‌امروز» است.

\*\*\*

**■ آیا شما تحریم‌های جدید را نقض برجام و تعهدات بی‌سابقه هسته‌ای می‌دانید یا خیر؟ برای اینکه وارد بحث شویم، مجبور هستیم از این سؤال احتمالاً خسته‌کننده شروع کنیم!**

درباره این مسأله من مصاحبه‌های زیادی دارم. جواب این سوال که این تحریم‌ها نقض برجام است یا خیر؟ در این مذاکرات آقای دکتر ظریف که خیلی مشتاق بودند، حکم یک مدیر اجرایی را داشتند. مجوز مذاکره از بالاترین دایر‌های مدیریت در ایران و بویژه رهبری و شخص آیت‌الله خانه‌ای صادر و به ایشان و کادرشان اجازه داده شد مذاکره و به دنیا ثابت کنند ایران می‌خواهد برای رسیدن به نتیجه، مذاکره کند و هدفش فقط مذاکره برای مذاکره نیست. بویژه میانه‌روها (معتدل‌ها) که در قوه مجریه به قدرت رسیدند، تلاش کردند به مردم ایران ثابت کنند می‌توانند با ابرقدرت‌های دیگر به تفاهم برسند. در هر صورت هدایت و مدیریت مذاکرات از بالا بود و اینها نیت‌های اجرایی بودند. حالا ۲۵ سال از آن زمان می‌گذرد. ۲ سال پیش دقیقاً همین ایام بود که من بعد از ۳۵ سال نخستین سفر آکادمیک خود را به ایران انجام دادم. قبل از سفر بنده، مذاکرات به سرانجام رسید. در آن زمان یک عده‌ای به خیالان ریختند و از خوشحالی‌اش شوغ کردند. راستش را بخواهید وقتی ما این صحنه‌ها را در تلویزیون و از سی‌ان‌ان و دستگانهایی که ما در آمریکا به آن فیک نیوز می‌گوییم —می‌دادم دکتر ظریف از این واژه خوش‌شان نمی‌آید— دیدیم، افسوس می‌خوردم که چرا بعضی‌ها در ایران —می‌دانم چه از واژه‌ای استفاده کنم که به کسی برخورد— معلومات‌شان خیلی پایین است و ما‌هرانه به این مسأله فکر نمی‌کنند.

البته‌بماند که در زمان رئیس‌جمهور سابق تحریم‌های اقتصادی در حال شکستن کمر مردم ایران بود. تحریم‌های سونیفت باعث شده بود شما نتوانید ریال را به دلار یا واحدهای دیگر تبدیل کنید. بالاخره کار دشوار شده بود. این وضعیت داشت کمر اقتصاد ایران را می‌شکست. برگردیم به متن سؤال که آیا این تحریم‌ها نقض برجام است؟ داشتیم این را توضیح می‌دادم. دکتر ظریف بارها تکرار کردند: «رد کردن برجام، نقض توأمان روح و متن برجام است». بله! این یک نوع نقض روح برجام است. اگر از من می‌پرسید باید بگویم مذاکرات بین واشنگتن و ایران نبود و ۵ کشور دیگر در مذاکرات بودند. از این ۵ کشور، لافل روی ۲ کشور روسیه و چین تا حدی می‌شد حساب کرد. می‌ماند ۳ کشور بریتانیا، فرانسه و آلمان که تقریباً همیشه طرف آمریکا بودند. البته آنها امتیازات اقتصادی خودشان را دارند و برای همین اگر واشنگتن بخواهد نقض برجام کند و از آن بیرون بیاید، طبیعتاً خودش را تنهاتر می‌کند. مثل همان توافق زیست‌محیطی پاریس که ترامپ از آن بیرون آمد و ابروی آمریکا را در دنیا بسرد. این پیامی بود که بیش از ۱۹۰ کشور دنیا آن را قبول کردند. این توافق در زمان آقای اوباما امضا شد و آقای ترامپ از آن بیرون آمد. این تحریم‌ها یک نوع نقض برجام است. این تحریم‌ها الان نباید وجود داشته باشد برای اینکه ایران به تعهداتش پایبند بوده است. واشنگتن حق ندارد نمایندگانش را به ایران بفرستد برای «Inspect»؛ بازرسی کردن و مشاهده اعمال ایران. حالا دوربین‌های‌شان آنجاست ولی اینها هر وقت که بخواهند کارشناس می‌فرستند این جزو قرارداد برجام است. اژانس انرژی اتمی یعنی همان نهادی که هویت دانشمندان جوان و پرکار و نخبه‌اتمی ایران از آن نشت کرد و به صهیونیست‌های خبیث داده شد و آنها نیز این اطلاعات را به منافقین که نوکر و قدرت عملیاتی صهیونیست‌ها هستند برای تزور دانشمندان ایران دادند و آنها را به شهات رساندند، چندین بار پایبندی ایران به برجام را تأیید کرده است. من در انجمن دفاع از قربانیان تروریسم در خاورمیانه (A.D.V.T) صحبت کردم. این تنها سازمان مردم‌نهادی است که سازمان ملل تأیید کرده و در داخل ایران است. من در این انجمن با اقوام دانشمندان هسته‌ای نستیم و گریستم.



کرد. این تحریم‌ها که سال ۱۹۹۶ آقای کلینتون آن را قانون کرد هر ۱۰ سال یک بار تمدید می‌شد. آقای بوش سال ۲۰۰۶ آن را امضا و تمدید کرد و آقای اوباما سال ۲۰۱۶ دوباره این تحریم را تمدید کرد. این یکی از صدمه‌هایی بود که به ایران خورد. این تحریم حتی برخی دوستانی که در ایران خیلی طرف برجام بودند را تکان داد و شوکه‌شان کرد. ممکن است این تمدید تحریم جزو برجام یا قراردادهای برجام نبوده ولی روح برجام را نقض کرده است. یک تحلیلی لیبرال‌های داخل آمریکا از آقای کری وزیر سابق خارجه تا تمام کادر مدیریت زمان آقای اوباما داشتند؛ اینکه که ممکن است بحرانی در ایران به‌وجود بیاید. بر اساس این پیش‌فرض اینها باید چه کار کنند؟ یک سرمایه‌گذاری کلان؛ سرمایه‌گذاری شاید لغت تندی باشد ولی به دنبال این بودند که بتوانند آن دسته از دوستان میانه‌رو یا —به قول خودشان— رفرمیست را به نحوی گول بزنند و طرف آمریکا بکشانند. البته این غیرممکن است. من حتی تصور نمی‌کنم سیاستمداران میانه‌رو اینقدر امانور باشند. مقامات آمریکایی تلاش داشتند یک شکافی بیندازند و آن بخش از قدرت مجریه ایران که دست میانه‌روهاست را به طرف خودشان بکشانند و گول بزنند. آنها تلاش داشتند یک پز میانه‌روی و صلح‌طلبی به ایران نشان دهند تا دوستان ایرانی میانه‌رو، خیال کنند برجام به نفع ایران خواهد بود. از آنطرف هم به دنبال ایجاد یک شکاف بودند. آقای بوش و اوباما در پیام‌های نوروزی‌شان، پیامی می‌دادند که انگار پیغام فقط برای مردم ایران بود. این توهین به نظام، کادر مدیریتی و ارگان رهبری ایران بود. اینها تصور کردند روندی در ایران وجود دارد که ما باید به مردم نزدیک شویم. اما سال ۲۰۰۹ میلادی که ۸۸ شما می‌شود، پروژه اینها که می‌خواستند مردم را به جان هم و علیه نظام بیندازند، شکست خورد. بعد از این شکست، گفتند دوستان‌مان را خیلی بیشتر به طرف خودمان می‌کشایم به نحوی که خیال کنند ما می‌خواهیم مذاکره کنیم. آقای اوباما سمیل مذاکره و میانه‌روی با ایرانی‌ها بود ولی آمد تحریم‌ها. ۱۰ ساله را تمدید کرد. ایشان نان را سه نرخ روز خورد و یکی به نعل و یکی به میخ زد. آقای اوباما به جای اینکه تمدید تحریم را وتو کند، آن را امضا نکرد ولی بر اساس قوانین آمریکا، در سنا و کنگره تمدید شد. این روند قانونی در سیستم مفتنه آمریکاست. اظهاریات آقای اوباما را گوش کنید. شما حفاظت کند وی قدرت داشت که آن تحریم را وتو کند ولی ایسن لایحه را وتو نکرد. اگر فردی حرف من را قبول ندارد و می‌گوید که من طرفدار محافظه‌کاران ایران هستم و می‌خواهد برند کسی را به من بزند، باید بگویم من مستقل هستم و بر اساس آنچه می‌گویم سند دارم. شما به یوتیوب بروید و اظهارات آقای اوباما را گوش کنید. تمام اظهاراتش در یوتیوب وجود دارد که می‌گفت هدف برجام این بود که دست‌رسی کامل به کارخانجات اتمی ایران و حتی مکان‌هایی که بسیار حساس هستند، داشته باشیم تا اینها را شانسایی کنیم. اینها خیلی شدید به دنبال دسترسی به پارچین هستند اما سپاه پاسداران مسلح ایستاده است. خودشان با زبان خودشان گفتند ما می‌خواهیم سطح کامل داشته باشیم و کارخانجات ایران را شانسایی کنیم که موقع حمله بدانیم کجا را بزنیم. این سند است و مسأله تعصبی نیست که من متعصب باشم. من متعادل صحبت می‌کنم. متأسفانه خیلی‌ها گول این زست‌های سیاسی که اینها در این مدت گرفته بودند را خوردند. دوستان سیاستمدار محافظه‌کار، اصولگرا و میانه‌رو گول هیچ چیز را نمی‌خورند؛ آدم‌های بسیار برجسته و دنیلمانی هستند که تندی دارند و می‌دانند در داخل و خارج ایران چه می‌گذرد و بسیاری از آنان مثل آقای ظریف و سایر دوستان رفرمیست داخل ایران کاملاً از شخصیت‌های آمریکایی شناخت دارند. من می‌خواهم بگویم سر اینها کلاه نمی‌رود ولی اینها یک بدعهدی نسبت به ایران کردند که همه در ایران مهیوت ماندند ولی نظام ایران تشخیص داد باید مذاکره کنند و به کشورهای منطقه که ایران را متهم می‌کردند که نمی‌خواهد هیچ وقت مذاکره کند، ثابت کرد ایران مذاکره می‌کند. خیلی از دوستان داخل ایران احساس کردند مذاکرات به ضرر ایران تمام شد و خیلی‌ها گفتند ایسن کار را کردیم که اقتصاد ایران را نجات دهیم. یا اینکه می‌گویند این حمله به ایران را گرفتیم در حالی که اینطور نیست. مذاکرات بر سر مسأله بیشتر به درد خورده است. اینها باید متعصب نباشند که می‌گویند این مذاکرات باعث جلوگیری از حمله نظامی به ایران شد، متأسفم بگویم این تحلیل درست نبود. مذاکرات برای مسائل اتمی بود و به خاطر میاجت هسته‌ای بود که ایران زیر تحریم‌های کمرشکن اقتصادی رفت. میانه‌روها را رفرمیست‌ها که عقیده داشتند باید مذاکره کنیم می‌خواستند جلوی خونریزی اقتصادی را بگیرند و تا حدی هم توانستند جلوی این را بگیرند. آمد باید متصفانه صحبت کند. من در ۲ سال اخیر ۳ سفر علمی به ایران داشتم. در این ۳ سفر که در هتل‌ها بودیم بویژه هتل‌های تهران، آزادی، استقلال و اسپیناس دیدم که اروپایی‌ها برای اینکه روابط اقتصادی با ایران برقرار کنند، صف بسته‌اند. از شرکت پژو تا توتال آمدند تا با ایران قرارداد ببندند. من شخصاً مخالف این قرارداد بودم و احساس کردم ایران خیلی گذشت کرد و فرانسوی‌ها و چینی‌ها خیلی برند. در هر صورت ولی یک تغییر و تحولی از نظر اقتصادی در ایران صورت گرفت. البته تحریم‌ها به قدری کمر اقتصاد ایران را شکست که ۹۶ درصد مردم اثر برداشتن یک مقداری از تحریم‌ها را در بخش اقتصادی حس کردند. یا خدای نکرده اثر برداشتن تحریم‌ها را قشری حس کردند که جزو ۴ درصد هستند. ما در آمریکا می‌گوییم جزو یک درصد پولدارها بودند. علاوه بر این امیدوارم به کسی برخورد و متأسفم که می‌گویم سوءمدیریت شدید اقتصادی که در ایران وجود دارد، باعث عدم حس کردن اثر برداشتن تحریم‌ها بود و مردم لمس نکردند که یک تغییر و تحولات اقتصادی ایجاد شده. امیدوارم بخش اقتصادی و مدیریت اقتصادی به خودش بیاید و نگذارد مشکلات اقتصادی از کنترل ر برد تا قدرت‌های امپریالیستی بویژه لندن و واشنگتن و تل آوی خبیث بیایند و از این نقاط ضعف استفاده کنند و مردم را به جان هم بیندازند و باعث اغتشاش شوند. من تصور نمی‌کنم هیچ وقت این اتفاق بیفتد ولی بخش اقتصادی ایران سوءمدیریت زیادی دارد که باید درباره آن صحبت و راجع‌های درست تبیین شود.

**■ اگر هیلاری کلینتون رئیس‌جمهور شده بود چه روندی در برابر ایران و برجام بی گرفته می‌شد؟**

این سوال بسیار جالبی است. بسیاری از تحلیلگران احساس می‌کردند The Establishment (هبات حاکمه) آمریکا خانم کلینتون را سر کار می‌آورد اما نظام آمریکا به خاطر جلوگیری از اغتشاشات و بویژه آشوب سفیدپوستان تندرو تصمیم گرفت خانم کلینتون با اینکه ۲ میلیون رای از آقای ترامپ بیشتر داشت، شکست بخورد و توسط سیستم کنترل کالج آمریکا آقای ترامپ سر کار بیاید تا آتش دست‌سای که از اوباما خیلی ناراحت بودند، بخوابد. اگر خانم کلینتون به قدرت می‌رسید، وی ادامه حکومت آقای اوباما بود. البته کلینتون تدبیر و وجهه دیپلماتیک اوباما را نداشت و خیلی صهیونیست است. اندیشکده‌ها و نخچیان صهیونیست‌ها در آمریکا پشت وی بودند. آقای «حییم سالان» رئیس موسسه سالان که بسیار صهیونیست و لیبرال است، حامی هیلاری کلینتون بود. تندروهای صهیونیست American Enterprise Institute یا مافیای صهیونیستی لاس‌وگلس بودند که پشت آقای ترامپ بودند. در هر صورت صهیونیست‌ها ۲ کاندیدا را تأیید می‌کردند. اینجا اینجوری است و ۲ کاندیدا را تأیید می‌کنند تا هر کسی که سر کار بیاید و هر کسی که نظام آمریکا سر کار بگذارد، به نفع آنها باشد.

آقای اوباما به نظر علمی من متعادل تر بود و تدبیر بیشتری از کلینتون داشت. کلینتون شخصی بسیار نهاجمی بود و خیلی اتصال عمیقی با اسرائیلی‌ها و صهیونیست‌ها داشت ولی آقای اوباما شخص منقور نتانیاهو بود و بارها سه وی دهن کجی کرد که این باعث خوشحالی ما شد. انتخابات در ۹۵ درصد کشورهای دنیا انتخابات نیست و انتصایات ولی بالاخره یک دموکراسی و حالت دموکراتیک در انتخابات وجود دارد. خلم کلینتون اگر سرر قدرت می‌آمد، ادامه حکومت اوباما بود و برجام را یک جوری ادامه می‌داد؛ نه به‌خاطر اینکه خوش عهد بود بلکه برای اینکه ایرانی‌ها را فریب بدهد. حتی از نظر اقتصادی ممکن بود در زمان کوتاه به نفع ایران باشد. حتی ممکن بود این بدعهدی‌های گسترده‌ای که آقای ترامپ می‌کند، اتفاق نیفتد و از یک جهاتی بهتر باشد. البته من هیچ طرفداری از وی نمی‌کنم و شخصاً نه به آقای ترامپ و نه به خانم کلینتون رای ندادم. به نظر من این دو شخصیت بسیار منقور بودند و من به کاندیدای سوم رای دادم. در آمریکا متأسفانه کاندیداهای سوم و چهارم اصلاً مطرح نمی‌شوند. مناظرات یک گاوبندی ۲ بین سیستم و حزب است و اسمش را گانشاه‌اند «تختاب ریاستی عاشقانه» که این یک اسم فریبکارانه است. شما تصور کنید مناظره‌ها فدرال است در حالی که این یک اسم قلابی است که یک ارتجمت‌هنر بین حزب جمهوری‌خواه و دموکرات به وجود آوردند. اینها اجازه نمی‌دهند نفر سومی در این مناظرات حضور پیدا کند. زیرا خودشان اسپانسر برنامه هستند. مردم آمریکا این را نمی‌دانند و خیلی از مردم دنیا هم نمی‌دانند در حالی که خانم جیل استاین از حزب سبز و آقای کری جانسون از حزب لیبرال هم در انتخابات بودند. به هر صورت اگر کلینتون هم به قدرت می‌رسید، اینها از هر بهانه‌ای برای بدعهدی استفاده می‌کردند ولی به اندازه‌ای که آقای ترامپ و اوباش صهیونیست دور و بر وی، از این بهانه‌ها استفاده کردند. داماد آقای ترامپ «جرد کوشنر» صهیونیست هست و دختر ترامپ هم صهیونیست‌تبار شده است. کوشنر با اینکه ۲۵ سال بیشتر ندارد اما یک صهیونیست لیبرال است. محافظه‌کاران رادیکال صهیونیست خیلی خطرناکند. هر چند به فارسی نمی‌توان واژه‌ای پیدا کرد ولی می‌توان گفت آقای ترامپ به نظر علمی من صهیونیست‌ترین رئیس‌جمهور آمریکاست؛ در تاریخ ۷۰ ساله‌ای که رژیم خبیث صهیونیستی به وجود آمده و زمین‌های فلسطین را اشغال کرده است. آقای ترامپ روی دست همه رؤسای جمهور آمریکا زده است. همه اینها تا حدی مامور صهیونیست‌ها بودند و هر چه زمان گذشته بدتر شده‌اند. اوباما یک جورهایی جلوی صهیونیست‌ها و سمودی‌ها ایستاد یعنی در مقایسه با اشخاص گذشته ولی ترامپ زده روی دست همه و واقعاً تندروی‌اش در نوکری صهیونیست‌ها همه را شکسته کرده است. البته ما این را پیش‌بینی می‌کردیم و وی خیلی رک حرف‌هایش را می‌زد. ترامپ از تصمیمی‌ترین دوستان نخست‌وزیر خبیث رژیم صهیونیستی است و این چیزی نبود که کسی نداند. مردم آمریکا بیشتر به فکر اقتصاد خودشان بودند و تصور می‌کردند ترامپ به دلیل اینکه «بیزینس من» است، به نفع مردم کار می‌کند. متأسفانه یک بخش بزرگی از آمریکایی‌ها نه‌تنها درباره مسائل ژئوپلیتیک خاورمیانه اطلاعاتی ندارند که حتی درساره ژئوپلیتیک آمریکا هم اطلاعاتی ندارند و خیلی زود شست‌وشوی مغزی می‌شوند. در هر صورت با بودن کلینتون ممکن بود بدعهدی‌های یک مقلد باشد و ادامه دوران آقای اوباما باشد ولی به دنبال این بودند که با کاهش تحریم‌ها، نفوذشان در ایران بویژه در قسمت فرهنگی بیشتر شود. تر اوباما این بود که ایران را فریب بدهد و از طریق برجام و اقتصاد وارد شود و بعد وارد حوزه فرهنگی شود تا نفوذ فرهنگی و سیاسی آمریکا را در ایران بیشتر کند تا بتوانند ایران را مقلب سعودی‌ها علم کنند. سیاست نظامی‌ای که پشت آقای اوباما بود این بود که ترازنی در منطقه بین سعودی و حتی صهیونیست‌ها به‌وجود بیاورند و ایران را آنطور که

دکتر الکساندر آزادگان، استاد دانشگاه‌های کالیفرنیا در گفت‌وگو با «وطن‌امروز»:

# اوباما در روزهای پایانی حامیان برجام را هم شوکه کرد

سه‌شنبه ۷ شهریور ۱۳۹۶

می‌خواهند علم کنند. من خیلی متأسفم که در خیلی از بخش‌ها بین مردم ایران نسبت به رفتار واشنگتن تفرقه هست. آنها می‌خواهند یک جوری مردم را نسبت به نظام بدبین و زده کنند. شما در نظر داشته باشید فقط آمریکایی‌ها نیستند که این پروپاگاندا را علیه ایران از طریق رسانه پخش می‌کنند. حدود ۲۰۰ کانال تلویزیونی و رادیویی پارسی‌زبان در دنیا مشغول پخش هستند و هم‌شان بودجه‌شان را از بودجه ۱۰۰ میلیون دلاری که در زمان بوش در کنگره مصوب شد، می‌گیرند. در آن زمان علناً گفتند ۱۰۰ میلیون دلار برای ساپورت رسانه‌ها با هدف فروپاشی نظام ایران اختصاص می‌دهیم. ممکن است این رقم ۳۰۰ میلیون دلار باشد و آن ۱۰۰ میلیون رقم سیاسی‌اش باشد و رقم اقتصادی بیشتر باشد. اینها خواستند از این طریق در ایران تفرقه به وجود بیاورند که متأسفانه الان وجود دارد. نباید این را فقط گردن اینها انداخت. تفرقه در ایران از نظر سیاسی وجود دارد. برخی دوستان می‌گویند این تفاوت سلیقه است و تفرقه نیست ولی من به عنوان تحلیلگری که ۲۵ سال جامعه‌شمارا مطالعه می‌کنم و کاملاً به مسائل ژئوپلیتیک اروپا و بویژه آمریکا تسلط دارم می‌توانم بگویم این تفرقه است و اینها کاملاً آگاه شدند و خیلی زرنگ‌تر از سالیان پیش درباره مسائل ایران هستند و خیلی بهتر از قبل تفرقه پخش می‌کنند. متأسفانه بعضی از دوستان از داخل ایران دارند ایران را تبدیل به کشور ضارب‌وشتم می‌کنند. درست است یک جاهایی اختلاف سلیقه است اما برخی درگیری‌ها در مسائل سیاسی خیلی بالاست که امیدوارم حل شود. امید و دعای ما از این طرف دنیا برای شلمت که این را بتواند حل کند.

**■ به نظر شما بهترین واکنش ایران به ایسن تحریم‌های سنگین چه باید باشد؟**

ایران اپش‌های مختلفی دارد. ایران از اول می‌دانست اگر واشنگتن بخواهد بدعهدی کند، خمینی بی‌اعتمادی بین ایران و واشنگتن وجود داشت. با این حال وزرای ایران و آمریکا و بقیه کشورهای ۵۰۱ کنار هم ایستادند. در این مذاکرات ایران یک چهره خدانی از خود نشان داد. ایران برای مواجهه با بدعهدی آمریکا امکانات مختلفی در منطقه دارد. ایران می‌تواند حمایت از حزب‌الله را بیشتر کند و اسرائیل را تکان بدهد. ایران می‌تواند آزمایش‌های موشکی‌اش را بیشتر کند. اگر واشنگتن یک نفره از برجام بیرون بیاید ایران می‌تواند از تفرقه‌ای که ممکن است بین واشنگتن و اتحادیه اروپایی بیفتد— که من فکر می‌کنم با توجه به اینکه اعضای اتحادیه اروپایی از آقای ترامپ خوش‌شان نمی‌آید، ممکن است این اتفاق بیفتد— استفاده کند. انگلیس که از اتحادیه اروپایی بیرون آمد همواره طرفدار آمریکا بوده و هست و الان هم که محافظه‌کارها در آنجا به قدرت رسیده‌اند، یکی از نخستین کسانی که به آقای ترامپ تبریک گفتند از حزب دسته‌راستی UK بود ولی در فرانسه می‌بینید که لیبرال‌ها به قدرت رسیدند. در آلمان لیبرال می‌نستند ولی خیلی متعادل هستند. در دورانی که خانم مرکل سر قدرت بود توانست یک اتحاد بین لیبرال‌ها و محافظه‌کاران به وجود بیاورد. اصولاً یک چیزی که همه در دنیا می‌گویند این است که رئیس دنیای آزاد خانم آنگلا مرکل است. رئیس دنیای غرب رئیس‌جمهور آمریکا نیست برای اینکه تعادل ندارد و رفتارها و تصمیمات عجیب و غریب دارد. یکی از آشنش‌هایی که ایران دارد، این است که از این تفرقه‌ای که ممکن است بین فرانسه و آلمان و واشنگتن به‌وجود بیاید، استفاده کند. ما می‌توانیم تا حدودی رفتار چینی‌ها و روس‌ها را پیش‌بینی کنیم برای فرانسه و آلمان تمرکز می‌کنم. اگر این را به وجود بیاوریم برمی‌گردیم به اواخر دهه ۹۰ که رئیس‌جمهور سابق و کادر ایشان یک تفرقه بین اروپایی‌ها و واشنگتن به راه انداخت. حتی بین آقای کلینتون که لیبرال بودند اختلاف انداخت و دولت توانست با اینها جدا جدا مذاکره کند. آن موقع با اینکه اتحادیه اروپایی وجود داشت ولی هنوز واحد بیورو نیامده بود. آن زمان می‌شد از آب گل‌السود ماهی گرفت و از این تفرقه بهره برد. آن موقع یک لیبرال در آمریکا بر سر کار بود و در خیلی از کشورهای اروپایی لیبرال‌ها حاکم بودند. در آلمان، فرانسه و بریتانیا لیبرال‌ها برسر قدرت بودند. در آن زمان با وجود اینکه در ۲ طرف دریای آتلانتیک لیبرال‌ها بر سر آمریکا بیشتر به فکر اقتصاد خودشان بودند و تصور می‌کردند ترامپ به دلیل اینکه «بیزینس من» است، به نفع مردم کار می‌کند. متأسفانه یک بخش بزرگی از آمریکایی‌ها نه‌تنها درباره مسائل ژئوپلیتیک خاورمیانه اطلاعاتی ندارند که حتی درساره ژئوپلیتیک آمریکا هم اطلاعاتی ندارند و خیلی زود شست‌وشوی مغزی می‌شوند. در هر صورت با بودن کلینتون ممکن بود بدعهدی‌های یک مقلد باشد و ادامه دوران آقای اوباما باشد ولی به دنبال این بودند که با کاهش تحریم‌ها، نفوذشان در ایران بویژه در قسمت فرهنگی بیشتر شود. تر اوباما این بود که ایران را فریب بدهد و از طریق برجام و اقتصاد وارد شود و بعد وارد حوزه فرهنگی شود تا نفوذ فرهنگی و سیاسی آمریکا را در ایران بیشتر کند تا بتوانند ایران را مقلب سعودی‌ها علم کنند. سیاست نظامی‌ای که پشت آقای اوباما بود این بود که ترازنی در منطقه بین سعودی و حتی صهیونیست‌ها به‌وجود بیاورند و ایران را آنطور که

